



گفتمان

سینمای زنانه

Feminine Movies

[از دهه ۱۹۹۰ تا امروز]

کوروش
جاهد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گفتمان

سینمای زنانه

Feminine Movies

[از دهه ۱۹۹۰ تا امروز]

کورش جاهد



انتشارات پرنده

● گفتمان سینمای زنانه: از دهه ۱۹۹۰ تا کنون

● نویسنده: کورش جاهد



انتشارات پرنده

● مدیر هنری و طراح گرافیک: سعید صادقی ● مدیر اجرایی: سید امین سقراطی ● ویراستار: افشین داورپناه
● تابستان ۱۴۰۰. چاپ اول ● چاپ: سورنا ● بخش: ققنوس ● تیراژ: ۳۰۰ نسخه ● قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان
● شابک: ۸-۶۵-۸۹۵۵-۶۰۰-۹۷۸ ● جستارهای سینمایی-۷ ● حق چاپ محفوظ است. ©

● سرشناسه: جاهد، کورش، ۱۳۵۲- ● عنوان و نام پدیدآور: گفتمان سینمای زنانه: [از دهه ۱۹۹۰ تا امروز] / Feminine Movies / کورش جاهد؛ ویراستار افشین داورپناه. ● مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرنده، ۱۴۰۰. ● مشخصات ظاهری: ۲۵۵ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
● فروست: جستارهای سینمایی؛ ۷. ● شابک: ۸-۶۵-۸۹۵۵-۶۰۰-۹۷۸ ● وضعیت فهرست نویسی: فیبا ● یادداشت: عنوان دیگر: گفتمان سینمای زنانه: از دهه ۱۹۹۰ تا کنون. ● عنوان دیگر: گفتمان سینمای زنانه: از دهه ۱۹۹۰ تا کنون. ● موضوع: سینما و زنان ● موضوع: Motion pictures and women ● موضوع: سینما و زنان -- تاریخ ● موضوع: Motion pictures and women. ● اطلاعات History. ● رده بندی کنگره: ۹/۱۹۹۵ PN ● رده بندی دیویی: ۸۲/۴۳۰۷۹۱ ● شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۰۵۷۳ ● اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

● نشانی: تهران. خیابان آیت... طالقانی. خیابان برادران شهید مظفر شمالی. بن بست کیا. پلاک ۷. واحد ۲. ۸۸۹۱۰۳۸۱.
● وبسایت: www.parandepub.ir ● ایمیل: info@parandepub.ir ● اینستاگرام و توئیتر: parandepub
● فروشگاه آنلاین: فروشگاه نشر پرنده: www.parandepub.ir ● فروشگاه اینترنتی نیوار: www.nivar.ir
● فروش کتاب صوتی: سایت طاقچه، نوار، فراکتاب



فهرست

- پیشگفتار | ۱۱
- تِلْمَا و لُوئیز | ریدلی اسکات | Thelma and Louise | ۷۸
- جیا | مایکل کریستوفر | Gia | ۸۰
- بِهشت و زمین | الیور استون | Heaven and Earth | ۸۲
- اُمِلی | ژان پی یر ژونه | Amelie | ۸۴
- سِلنا | گرگوری ناوا | Selena | ۸۶
- ساعت ها | استیفن دالدری | Hours | ۸۸
- پرستار بتی | نیل لابوت | Nurse Betty | ۹۰
- اِوِیتا | الن پارکر | Evita | ۹۲
- معلّم پیانو | میشائیل هانکه | The Piano Teacher | ۹۴
- آیریس | ریچارد آیر | Iris | ۹۶
- مَلِنا | جوزپه تورناتوره | Malena | ۹۸
- پیانو | جین کمپیون | Piano | ۱۰۰
- فریدا | جولی تیمور | Frida | ۱۰۲
- خاطراتِ بریجیت جونز | شارون مگوایر | Bridget Jones's Diary | ۱۰۴
- با آن زن حرف بزن | پدرو آلمودوار | Talk to Her | ۱۰۶

- ۱۰۸ | Run Lola Run | تام تیکور | بدو لولا بدو
- ۱۱۰ | Between Strangers | ادواردو پونتی | در میان بیگانه‌ها
- ۱۱۲ | Mulholland Drive | دیوید لینچ | جاده مالهلند
- ۱۱۴ | Dogville | لارس فون تریه | داگویل
- ۱۱۶ | Lost in Translation | سوفیا کاپولا | گمشده در ترجمه
- ۱۱۸ | The Million Dollar Baby | کلینت ایستوود | عزیز میلیون دلاری
- ۱۲۰ | Kill Bill 1 | کونتین تارانتینو | بیل را بکش ۱
- ۱۲۲ | Marie Antoinette | سوفیا کاپولا | ماری آنتوانت
- ۱۲۴ | The Reader | استیفن دالدری | کتابخوان
- ۱۲۶ | La Vie en Rose | الیویر داهان | زندگی همچون گل رز
- ۱۲۸ | Juno | جیسون ریتمن | جونو
- ۱۳۰ | The Devil Wears Prada | دیوید فرنکل | شیطان پرادا می‌پوشد
- ۱۳۲ | Mama Mia | فلیدا لوید | ماما میا
- ۱۳۴ | Diana | الیویر هرشیگل | دایانا
- ۱۳۶ | Vicki Cristina Barcelona | وودی الن | ویکی کریستینا بارسلونا
- ۱۳۸ | Eat Pray Love | رایان مورفی | بخور نیایش کن عشق بورز
- ۱۴۰ | Melancholia | لارس فون تریه | ملانکولیا
- ۱۴۲ | Love Rosie | کریستین دیتر | عشق رُزی
- ۱۴۴ | Twice Born | سرجیو کاستلیتو | دوباره متولد شده
- ۱۴۶ | Black Swan | دارن آرونوفسکی | قوی سیاه
- ۱۴۸ | Third Person | پال هگیس | شخص سوم

- ❖ نوشتاره | شون بیکر | Starlet | ۱۵۰
- ❖ نجات آقای بنکس | جان لی هنکاک | Saving Mr. Banks | ۱۵۲
- ❖ مامان بزرگ | پال ویتز | Grandma | ۱۵۴
- ❖ آگوست در اوسیج کانتی | جان ولز | August Osage County | ۱۵۶
- ❖ باید درباره کویین صحبت کنیم | لین رمزی | We Need to Talk about Kevin | ۱۵۸
- ❖ جاسمین غمگین | وودی الن | Blue Jasmine | ۱۶۰
- ❖ بانوی آهنین | فلیدا لوید | The Iron Lady | ۱۶۲
- ❖ دختری در کتاب | ماریا کوهن | The Girl in the Book | ۱۶۴
- ❖ انجیل روایت جدید | ژاکوون دورمل | The Brand New Testament | ۱۶۶
- ❖ ریکی و فلش | جاناناتان دمی | Ricki and the Flash | ۱۶۸
- ❖ نبرد جنسیت ها | جاناناتان دیتون / والری فاریس | Battle of the Sexes | ۱۷۰
- ❖ خدمتکاران | تیت تیلور | The Help | ۱۷۲
- ❖ پروفیسور مارستون و زنان شگفت‌انگیز | Professor Marston and the Wonder Women | ۱۷۴
- ❖ مادران بد ۱ | جان لوکاس و اسکات مور | Bad Moms 1 | ۱۷۶
- ❖ حق رای زنان | سارا گاوورن | Suffragette | ۱۷۸
- ❖ آنچه آنان داشتند | الیزابت چومکو | What They Had | ۱۸۰
- ❖ همسر | بیورن رونگه | The Wife | ۱۸۲
- ❖ جودی | روپرت گولد | Judy | ۱۸۴
- ❖ سرکش | ژان مارک ولی | Wild | ۱۸۶
- ❖ زنان قرن بیستم | مایک مایلز | The ۲۰th Century Women | ۱۸۸
- ❖ نوآموز | مارگارت بتس | Novitiate | ۱۹۰

- چشمان بزرگ | تیم برتون | The Big Eyes | ۱۹۲
- جوی | دیوید او راسل | Joy | ۱۹۴
- رفتار فرزندان | ریچارد آیر | The Children Act | ۱۹۶
- سوگلی | یورگوس لانتیموس | Favourite | ۱۹۸
- فکر میکنی من کی هستم؟ | صفی نبو | Who You Think I Am | ۲۰۰
- تالی | جیسون ریتمن | Tully | ۲۰۲
- دربارهٔ جسم و جان | ایدیلکوانیدی | On Body and Soul | ۲۰۴
- شکل آب | گوئلرمو دل تورو | The Shape of Water | ۲۰۶
- بلعیدن | کارلو میرابلا دیویس | Swallow | ۲۰۸
- آخر شب | نیشا گاناترا | Late Night | ۲۱۰
- جوآن سرخ | تروور نان | Red Joan | ۲۱۲
- سیبرگ | بندیکت اندروز | Seberg | ۲۱۴
- اکنون ما کیستیم؟ | متیو نیوتون | Who We Are Now | ۲۱۶
- ۵۵ گام | بیل آگوست | Steps | ۲۱۸
- قفس پرنده | سوزان بی یر | Bird Box | ۲۲۰
- گلوریا بل | سباستین للیو | Gloria Bell | ۲۲۲
- مادر! | دارن آرونوفسکی | Mother! | ۲۲۴
- بمب جنسیتی | جی روچ | Bombshell | ۲۲۶
- کجا رفتی برنادت؟ | ریچارد لینکلتر | Where'd You Go Bernadette | ۲۲۸
- بر پایهٔ یک داستان واقعی | رومن پولانسکی | Based on A True Story | ۲۳۰
- مائودی | آیزلینگ والش | Maudie | ۲۳۲

- || من، تونیا | کریگ گیلپی | I, Tonya | ۲۳۴
- || بازی مولی | آرون سورکین | Molly's Game | ۲۳۶
- || هرچه میبینم تویی | مارک فورستر | All I See is You | ۲۳۸
- || اِما | پابلو لارین | Ema | ۲۴۰
- || بر پایه جنسیت | میمی لدر | On the Basis of Sex | ۲۴۲
- || جاستین | استفانی ترنر | Justine | ۲۴۴
- || تکه‌هایی از یک زن | کورنل موندروزکو | Pieces of A Woman | ۲۴۶
- || زنان کوچک | گرتا گروینگ | Little Women | ۲۴۸
- || دختر کارخانه‌ای | جورج هایکنلوپر | Factory Girl | ۲۵۰
- || قد بلند | کانتمیر بالاگوف | Beanpole | ۲۵۳



پیش‌گفتار

هویت و مسایل زنان همواره در طول تاریخ با مسأله «هنر» پیوستگی داشته و همراه بوده است. به ویژه در جریان تاریخ یک صد و چند ساله پیدایش هنر سینما تا امروز و از زمان کشف ویژگی داستانگویی تصاویر متحرک، سینماگران به این نکته پی بردند که به تصویر کشیدن داستان‌های مربوط به جنس زن و روایت‌های زنانه میتواند جذابیت‌های بیانی و تصویری جالب و مخاطب‌پسند برای علاقه‌مندان و دوستداران سینما ایجاد کند.

ضمن اینکه در دهه‌های پس از شکل‌گیری سینمای داستانگو همراه با تحولات اجتماعی و فرهنگی، مسایل عمیق‌تر و چالش‌برانگیز مربوط به جنسیت زنانه نیز در قالب داستان‌ها و موضوعات مختلف در فیلم‌های سینمایی به تصویر کشیده شد. به گونه‌ای که در طول تاریخ قرن بیستم و همزمان با رشد و گسترش شیوه‌های داستانگویی در هنر سینما، بهره‌گیری از این داستان‌ها جذابیت‌ها و الگوهای چشمگیرتری پیدا می‌کرد. از ماجراهای اغواگرانه که با محوریت زنان موطلایی (Blond) بر روی پرده نقره‌ای شکل گرفته، تا پیدایش ژانر بسیار مورد توجه «ملودرام» Melodrama که به طور مشخص به مسایل و رویدادهای دردمندانه و مظلومانه زنان مورد ستم در جهان مردانه در تاریخ سینما پرداخته است. همچنین قرارگیری زنان در کشاکش رقابت‌های خشن و بی‌رحمانه مردان در فیلم‌های موسوم به ژانر

«نوار» Noir یکی دیگر از جلوه‌های حضور جنس زن در روایت‌های سینمایی تا امروز را تشکیل داده است.

نکته بسیار جالب و قابل پژوهش در مورد تاریخ سینما اینکه، روند شکل‌گیری رویدادهای مربوط به هنر هفتم و تکامل این «هنر» در تاریخ قرن بیستم میلادی با شکل‌گیری بسیاری از تحولات و کشفیات و رویدادهای علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی در طول این قرن همراه و همزمان بوده است. از رشد سریع شهرنشینی در جوامع همراه با اختراع انواع و اقسام لوازم و مصنوعات رفاهی ساخت دست بشر، تا همزمان پیدایش جنبش‌ها و مکاتب هنری در «هنر مدرن» مانند «امپرسیونیسم» در سالیان نخست سده بیستم و سایر مکاتب مانند «اکسپرسیونیسم» و «سوررئالیسم» در نیمه نخست قرن گذشته که در نیمه نخست سده بیستم به وقوع پیوست.

جالب اینکه در نیمه نخست این قرن همزمان شاهد شکل‌گیری دانش «روانکاوی» توسط اندیشمندان و پژوهشگرانی مانند زیگموند فروید (۱۹۳۹-۱۸۵۶) و کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) و برخی پژوهشگران و دانشمندان نیز بوده است. از جانب دیگر، با رشد شهرنشینی و گسترش نهادهای اقتصادی، فرهنگی و مدنی، پیدایش جنبش‌های «فمینیستی» و برابری خواهانه زنان در دو قاره اروپا و آمریکا نیز فرصت مناسبی برای ظهور و بیان اندیشه‌ها و مطالبات خود را پیدا کردند.

از اواخر قرن نوزدهم میلادی، اندیشه‌های بنیادین افرادی چون «آرتور شوپنهاور» (۱۸۶۰-۱۷۸۸) و «فردریش ویلهلم نیچه» (۱۸۴۴-۱۹۰۰) که تا

سالیان پایانی قرن نوزدهم ادامه داشت، تأثیر زیادی بر جهان اندیشه و تفکر بشری گذاشت. همچنین طرح افکار و اندیشه‌های «کارل مارکس» (۱۸۸۳-۱۸۱۸) و طرح دیدگاه طبقاتی از نیازها و رویکردهای انسان مدرن که آن هم از قرن نوزدهم شروع به پیدایش و شکل‌گیری کرده و در قرن بیستم با ظهور انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در کشور روسیه در قالب یک نظام سیاسی پایه‌ریزی شد.

هرچند بعدها با ظهور زنان اندیشمندی همچون هانا آرنت (۱۹۷۵-۱۹۰۶) در زمینه فلسفه، کارن هورنای (۱۹۵۲-۱۸۸۵) و آنا فروید (۱۹۸۲-۱۸۹۵) در حیطه روانکاوی و در زمینه اندیشه‌های فمینیستی اشخاصی نظیر: ماریا مونته سوری (۱۹۵۲-۱۸۷۰) سیمون دوبوار (۱۹۸۶-۱۹۰۸)، نوال سعداوی (۲۰۲۱-۱۹۳۱) و برخی دیگر از اندیشمندان زن، تلاش در جهت تعدیل نگاه «مردمحور» به انسان و جهان پیرامون انجام گرفت.

اما حضور مردان در عرصه اندیشه‌های فلسفی، هنری و جهان صنعت آنقدر گسترده و فراگیر بود که تلاش‌های بزرگی از این دست با وجود تأثیر بسیار عمیق که بر اندیشه یکسویه بشری گذاشتند، تا سالیان میانی سده بیستم قادر به ایجاد تغییر بنیادین در نظام مردسالارانه اقتصاد، سیاست، فلسفه و صنعت در جهان مدرن نگردید. با این وجود، تلاش این افراد بعدها در کنار جنبش‌های مختلف نقش اساسی در تغییر نگرش انسان به مسایل زنان را در جهان امکان‌پذیر ساخت. بطوریکه به نظر می‌رسد تأثیر نگاه برابری خواهانه زنان در این زمینه پس از گذار از موج‌های اول تا چهارم «فمینیسم» امروزه

در دهه‌های ابتدایی قرن بیست و یکم بیش از هر زمان دیگر در عرصه‌های هنری از جمله سینما گسترش یافته است.

بهرشکل، قرن بیستم در گستره اندیشه از یک سو و همزمان پیدایش پدیده نوظهور «سینما» که در نتیجه پژوهش‌های ماجراجویانه افرادی مانند «توماس آلو ادیسون» (۱۸۳۱-۱۸۴۷) در آمریکا و «برادران لومیر» در فرانسه ایجاد شده بود، شیوه بسیار نوین و اعجاب‌انگیزی در به تصویر کشیدن اندیشه‌ها و خواست‌ها و رفتار انسانی را بر روی پرده نقره‌ای سینما آفریده بود. تا اواخر قرن نوزدهم مطالعه داستان‌های نویسندگان و مواجهه با افکار و اندیشمندان و فلاسفه منحصر به مطالعه و خواندن متون پیچیده ادبی و فلسفی در کتاب‌های پرحجم چاپ شده بر روی «کاغذ» بود. اما پدیده سینما به طور تدریجی و همزمان با تکامل قابلیت‌های بیانی «تصاویر متحرک»، این ذهنیت را برای اندیشه بشر متمدن و مدرن ایجاد کرد که قادر خواهد بود از این پس با به تصویر کشیدن رفتار و نیازهای انسانی در قالب روایت داستان‌های مختلف بر روی «پرده نقره‌ای» به بازنمایی و بیان جهانبینی‌های مختلف برای طیف وسیع‌تری از ساکنین جهان مدرن بپردازد.

اما شروع این حرکت در ابتدای پیدایش سینما نمی‌توانست به همان سرعت و سادگی تولید و نگارش متون ادبی، علمی و فلسفی بر روی کاغذ اتفاق بی‌افتد. بلکه درج این اندیشه‌ها در قالب داستان یا سایر شیوه‌های بیانی، مستلزم تلاش گسترده و «آزمون و خطا» به واسطه پشتکار صنعتگران باذوق و ماجراجو در حیطه تولید «تصاویر متحرک» بود. ضمن اینکه بخش

بزرگ این هنر (سینما) تا سالها بعد از پیدایش، صرفاً به ایجاد سرگرمی برای عامهٔ مردم پرداخته و مدت‌ها طول کشید تا داستان‌های نگاشته شده در کتب ادبیات جهان و اندیشه‌های عمیق ترانسانی راهشان را به روی پردهٔ بزرگ سینما پیدا کنند.

بهر شکل، نکته قابل بررسی و تعیین‌کننده در جریان روند شکل‌گیری سینما مانند بسیاری از صنایع دیگر اینکه، شکل‌گیری و تکامل این «هنر-صنعت» نویافته، به دست «مردان» و از زاویهٔ نگاه مردم‌محور نزد این اشخاص مشاهده شده تا قادر به طرح موضوعات و داستان‌ها و شکل‌گیری مفهوم هنر و این شیوه‌های بیانی در قالب «تصاویر متحرک» امکان‌پذیر باشد. مانند بسیاری از عرصه‌های علمی، فرهنگی، مذهبی، هنری و فلسفی که تا این زمان همواره توسط افراد مذکور و از دریچهٔ نگاه این اشخاص به رشته تحریر درآمده و یا بنیان گذاشته شده، سینما هم تا سالیان سال به همین شکل در اغلب موارد به دست «مردان» هنرآفرین و همزمان صنعت‌گر در حال تکامل و شکل‌گیری بوده است.

در آغاز پیدایش سینما از شکل‌گیری فیلم‌های ژانر «کمدی» توسط اشخاصی مانند چارلی چاپلین، باستر کیتون، هری لنگدون، هرولد لوید، لورل و هاردی، روسکو آرباکل، مک سنت و دیگران (به عنوان یکی از نخستین ژانرهای سینمایی) تا سایر تهیه‌کنندگان، بازیگران و کارگردان‌ها در سینمای آمریکا و اروپا به نظر می‌رسد در طیف گسترده‌ای توسط مردان فعال در این حیطه در حال شکل‌گیری و اجرا بود. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که وجود این زاویه نگاه

مردانه به همهٔ امور زندگی و ابعاد زیست انسان از جمله حضور زنان در دنیای مدرن، تحت تأثیر این نگاه «مردمحور» Male-Oriented قرار داشته است. از جانب دیگر، رشد سایر صنایع در جهان از جمله صنایع نظامی، صنعت چاپ، صنعت ساختمان، صنایع چوب، کاغذ، فلز و صنعت نساجی و بسیاری صنایع دیگر بهر شکل توسط مردان در حال تأسیس و شکل‌گیری بود. هرچند در جریان شکل‌گیری و رشد و گسترش تمام این صنایع، حضور زنان در کنار مردان غیرقابل انکار بوده اما ویژگی صنعتی شدن (Industrialization) جهان از چند قرن گذشته روند «مردمحور» را پیموده است.

آغاز شکل‌گیری و امتداد گستردگی این صنایع البته از چند قرن پیش از این به ظهور پدیدهٔ «انقلاب صنعتی» Industrial Revolution در اروپا و بعدها سایر نقاط جهان باز می‌گردد که البته نقش مردان و جهان بینی «مردمحور» در شکل‌گیری و ایجاد این صنایع در قرون گذشته تا امروز قابل بررسی است. جالب اینکه مسألهٔ شرایط کار و میزان دستمزد زنان در حیطهٔ این صنایع رو به گسترش، یکی از کلیدی‌ترین موضوعاتی است که در قرون گذشته تا به امروز مورد توجه و انتقاد بسیاری از فعالان حقوق زنان به ویژه زنان «فمینیست» قرار داشته است.

دامنهٔ بحث دربارهٔ این مسأله به همراه انتقاد از وضعیت دستمزد زنان در صنایع مختلف و در مقایسه با دستمزد مردان در شرایط یکسان، موضوعی است که تا سالیان اخیر به مسألهٔ دستمزد زنان بازیگر در صنعت سینما هم تسری پیدا کرده است. این رویکرد انتقادی در موقعیت‌های مختلف با

عنوان «سقف شیشه‌ای» Glass Roof توسط زنان و منتقدان اجتماعی در مورد وضعیت نابرابر زنان در مقایسه با مردان مطرح گردیده است. خانم «جولین مور» بازیگر سرشناس هالیوود در مراسم آکادمی اسکار سال ۲۰۱۵ هنگام دریافت جایزه اسکار، برای بازی در فیلم «همچنان آلیس» به طور مشخص به نابرابری دستمزد بازیگران زن در مقایسه با بازیگران مرد در تولید فیلم‌های هالیوود اشاره و به نمایندگی از سایر بازیگران اعتراض خود را به این نابرابری در پرداخت دستمزدها نشان می‌دهد.

نگاه انتقادی جنبش فمینیسم با ورود به قرن بیستم و ظهور زنان نویسنده و تاثیرگذار مانند خانم ویرجینیا وولف (۱۸۸۲-۱۹۴۱) در عرصه ادبیات و سایر زنان در حیطه‌های دیگر همچنان آغازگر و پیش برنده این درخواست زنان برای توجه بیشتر به مساله برابری حقوق انسانی میان زنان و مردان بوده است. از سوی دیگر در جهان نمایش (تئاتر) شاهد هستیم به عنوان نمونه، نمایشنامه مشهور «خانه عروسک» به سال ۱۸۷۹ نوشته نمایشنامه نویس نروژی «هنریک ایبسن» (۱۸۲۸-۱۹۰۶) یکی از نخستین ریشه‌های پرداخت داستان در حیطه مسایل جهان زنانه و دغدغه زنان در چارچوب‌های سنتی و مردسالارانه به شمار می‌آید.

«مارگریت دوراس» (۱۸۹۶-۱۹۱۴) یکی دیگر از نویسندگان بزرگ قرن بیستم به شمار می‌رود که در آثارش دست به ترسیم جهانبینی‌های زنانه در بستر جهان مردمحور پرداخته است.

«آنا آخمتووا» (۱۸۸۹-۱۹۶۶) شاعر زن روسی و «فروغ فرخزاد» (۱۹۶۷-

۱۹۳۴) شاعر ایرانی در زمینه ادبیات، جهان زنانه را با توصیفاتِ شاعرانه و تمثیلی مورد اشاره قرار داده‌اند. آنچه مسلم است، ماهیتِ هنر «سینما» به دلیل پیوستگیِ تنگاتنگِ این «هنر-صنعت» با فرآیندهای پیچیده و چالش‌برانگیزِ تولیدِ صنعتی، از ابتدا با حضور و تسلطِ چشمگیر و غالبِ «مردان» در پشتِ صحنهٔ این هنر همراه بوده است. هرچند نمایش و طرح جلوه‌های زنانه و استفاده از جذابیت‌های زنان در مقابلِ دوربین، چه از لحاظِ تصویری و چه از لحاظِ بیانِ داستان‌های عاشقانه در کنار مردان، یکی از مهمترین عوامل در ایجاد سرگرمی و جذابیت برای مخاطبِ شهرنشین و متمدن قرن بیستم به شمار میرفت.

اما داستان‌های دلپذیرِ عاشقانه که تا پیش از اختراع سینما تنها در لابلای صفحاتِ کاغذی کتبِ ادبی قابل مطالعه و تصور بوده و یا بصورتِ یک تصویر بزرگ (لانگ شات) در تئاتر یا اپرا و نقاشی و اشعار شاعران طرح میشد، با پیدایشِ سینما قابلیتِ آن را یافت تا بصورتِ تقطیع شده و نمابندی از چهره، دست، چشم‌ها و سایر نقاط بدن با ابعادِ به مراتب بزرگتر از اندازهٔ طبیعی انسان بر روی پردهٔ بزرگ به نمایش دربیاید.

بدین ترتیب، خیلی زود سینماگران به ویژه سوداگرانِ تجارتِ فیلم دریافتند که نمایش و حضورِ زنان بر روی پردهٔ بزرگ سینما قادر خواهد بود تا جذابیت و فروش فیلم‌های سینمایی را برای مخاطبِ خسته از کار و ملالت‌های زندگی روزمره افزایش بخشد. ضمن اینکه مانند سایر پدیده‌های اجتماعی و هنری و آنچه همواره در تاریخ هنرهای نمایشی مرسوم بوده، حضور زنان تعادل و

توازن احساسی در این داستان‌ها را تضمین می‌کرد. از لحاظ روانی به تصویر کشیده شدن داستان‌های عاشقانه و نمایش کشش مردان و زنان به یکدیگر بر روی پرده بزرگ سینما قادر شد تا تخیل و ذهنیت مخاطب سینما را در ابعاد بزرگ بر روی این پرده جادویی بازنمایی کند.

با این وجود به نظر می‌رسد، توجه و پرداختن به این جنبه سرگرم‌کننده به دلایلی که به اجمال آورده شد همچنان از کیفیت جهانی‌بینی «مردمحور» سرچشمه گرفته است. این نگاه «مردمحور» در سینمای ماقبل دهه ۱۹۶۰ که اغلب به حضور اسطوره‌ای و مسلط مردان در کنار حضور اغواگرانه و مکمل زنانه پرداخته، بطور متداول بیان‌کننده نقش‌های سنتی برآمده از «جنسیت» با توجه به تعاریف اسطوره‌ای و مردسالارانه در تاریخ زیست بشر بوده است. این در حالی است که پرداخت «مردمحور» در سینمای بعد از دهه ۱۹۶۰ با وجود روی دادن تحولات عمیق فرهنگی و اجتماعی در این دهه، همچنان به گونه‌ای مسلط و رایج در روایت‌های سینمایی تا پایان دهه ۱۹۹۰ هم به گونه‌های دیگر امتداد داشته است. هرچند در این مرحله لازم است تا نگاهی به نمونه‌هایی از حضور زنان در فیلم‌های سینما تا پیش از تحولات اجتماعی و فرهنگی دهه شصت میلادی و همچنین فاصله زمانی تحولات دهه شصت تا پایان «جنگ سرد» در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی بیاندازیم.

فیلم «مردها، زنان بلوند را ترجیح می‌دهند» ساخته سال ۱۹۵۳ به کارگردانی «هوارد هاکس» با بازی خانم مرلین مونرو همانطور که از عنوانش مشخص است، اشاره به موضوعیت نگاه مردانه نسبت به حضور زنان در سینما و

همچنین جهان واقعی دارد. فیلم «و خدا زن را آفرید» ساخته ۱۹۵۶ به کارگردانی «روژه وِدیِم» به عنوان نمونه، یکی از فیلم‌هایی است که در میانه دهه ۱۹۵۰ به نمایش اغواگرانه و اسطوره‌ای از جنسیت زن بر روی پرده بزرگ سینمای پرداخته است.

این فیلم با بازیگری یکی از جذاب‌ترین زنان سینمای فرانسه، خانم «بریجیت باردو» در همان دوره ساخته شده و برای عموم مردم به نمایش در آمد. (این فیلم پیش از انقلاب در سینماهای تهران هم اکران شد).

ژان لوک گدار فیلمساز «موج نو» سینمای فرانسه حدود یک دهه بعد، فیلم «تحقیر» Contempt (۱۹۶۳) را با بازی همین بازیگر به روی پرده سینما برد. هرچند جهان‌بینی و موضوعیت فیلم «تحقیر» با فیلم‌های نام برده شده پیش از آن تفاوت داشته اما جلوه دیگری از وابستگی زنان به جهان مردانه را این بار با نگاه انتقادی، اما همچنان مردمحور (Masculine) به نمایش درآورد. فیلمساز دیگر مهم و تاثیرگذار جنبش «موج نو» سینمای فرانسه، فرانسوا تروفو (۱۹۸۴-۱۹۳۲) حدود یک دهه بعد از آن با ساخت فیلم «مردی که زن‌ها را دوست داشت» (۱۹۷۷) یکی از «مردمحور»ترین نگاه‌ها به جنسیت زن و جهان را در این فیلم به تصویر کشیده است.

در تمام مدت زمان فیلم یاد شده، ماجرای مردی به تصویر کشیده می‌شود که در موقعیت‌های مختلف بر اثر شیفتگی جسمانی به زنان و پاهایشان در صدد ارتباط با ایشان برمی‌آید و همزمان خاطرات خود از این ماجراجویی را در قالب یک کتاب به نگارش درمی‌آورد. همین فیلمساز سال ۱۹۷۵ با

ساختِ فیلم «سرگذشت آدل هاش» با بازیِ خانم «ایزابل آجانی»، محوریتِ جهانی‌بینیِ زنانه را با الهام از جهان واقعیت، در داستان این فیلم به نمایش گذاشته است. بدین‌گونه می‌توان مثال‌های متعدد از فیلمسازان سرشناس و تاثیرگذار را یافت که در کنار آثار «مردمحور» همیشگی، دست به تولید برخی آثار «زن‌محور» نیز در دورهٔ فعالیتِ سینمایی‌شان زده‌اند. در فیلم بسیار مشهور و مهم «از نفس افتاده» ساخته ۱۹۶۰ به کارگردانی ژان لوک گدار (به عنوان یکی از فیلم‌های آغازکنندهٔ مکتب «موج نو» سینمای فرانسه) شاهد بیان این جمله از زبان یکی از شخصیت‌های اصلی فیلم هستیم که می‌گوید: «موضوعات مهم دنیا شامل دو چیز میشود: مردان به دنبال زنان و زنان به دنبال پول هستند!». بدین ترتیب سایهٔ نگاه «مردمحور» همچنان تا سال‌ها پس از شکل‌گیری مکاتب جدید سینما در میانهٔ قرن بیستم از جمله مکتب «موج نو» هم امتداد داشته است.

با این حال، فعالیتِ سینماییِ زنانِ انگشت‌شمار مانند خانم «آگنس وارسا» (۲۰۱۹-۱۹۲۸) توانست تا اندازهٔ زیادی «جهان‌بینیِ زنانه» را نیز وارد موضوعاتِ مطرح شده در فیلم‌های سینماگران «موج نو» سینمای فرانسه کند. ضمن اینکه به نظر می‌رسد فرهنگ و سینما در قارهٔ اروپا در زمینهٔ پرداخت به مسایل جهان و طرح جهان‌بینی‌های زنانه نسبت به سینما در کشور «ایالات متحده» از برخی تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی همواره برخوردار بوده است.

بهرشکل با بررسی روندِ شکل‌گیریِ سینمایِ داستانگو در دو قارهٔ آمریکا و

اروپا به طور موازی و همزمان تأثیرات این نگاه مردسالارانه و شیوه حضور مردان و زنان در فیلم‌های بسیاری از آثار سینمای ایالات متحده و بطور مشخص «هالیوود» در مقایسه با سینمای اروپا را همواره شاهد بوده‌ایم. در فیلم «شکل آب» ساخته ۲۰۱۷ به کارگردانی «گویلرمو دل تورو» که به پسزمینه رقابت ابرقدرت‌ها در «جنگ سرد» پرداخته، نگاه سینمای هالیوود به حضور سنتی و حاشیه‌ای زنان تا اندازه زیادی مورد اشاره و انتقاد قرار گرفته است. آنطور که از داستان‌های یونان باستان تا زمان ویلیام شکسپیر (۱۶۱۶-۱۵۶۴) و سپس داستان‌های قرن نوزدهم ادبیات جهان برمی‌آید، موقعیت و احوالات زنان در قصه‌ها، داستان‌ها و نمایشنامه‌ها همواره بصورت یک خیابان فرعی در کنار شاهراه بزرگ قهرمان‌پردازی و عشق‌ورزی و گرفتاری‌های مردانه قرار داشته است. هرچند، انواع جلوه‌گری‌های زنانه بر پرده بزرگ سینما از یک سو و از سوی دیگر، میل و شوق پایان‌ناپذیر و همیشگی مردان برای دستیابی به جسم و روح زنان به نظر می‌رسد ماهیت فرعی و اغلب «اوبژکتیو» حضور زنان در تمامی این روایات را بطور مشخص و قابل بررسی همواره به نمایش گذاشته است.

از سوی دیگر محوریت نگاه مردانه اگر به دلایلی که عنوان شد همچنان بیشترین حجم داستانگویی و روایت‌های سینمایی را به خود اختصاص داده، اما آنطور که مشاهده شد از قطعیت کامل برخوردار نبوده و فیلم‌سازان معدودی در طول تاریخ سینما در تلاش بودند تا در میان این رویکرد فراگیر، گهگاه به موضوعات «زن‌محور» نیز بپردازند. هرچند این موضوعات «زن

محور» با ماهیت «سوبژکتیو» و آنچه در دهه‌ی پایانی قرن بیستم و دو دهه‌ی گذشته از قرن جدید (قرن بیست و یکم) در سینما شکل گرفت و تا امروز امتداد یافته تفاوت‌های بنیادین دارند.

در سایر جنبه‌های زندگی بشر، بروز جنگ‌های بزرگ و ویرانگر مانند دو جنگ جهانی (جنگ جهانی اول: ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ / جنگ دوم جهانی: ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵) در طول قرن بیستم و سپس بروز «جنگ ویتنام» در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در بستر «جنگ سرد» میان قدرت‌های بزرگ این دوران یعنی ایالات متحده و کشورهای هم‌پیمان‌اش در مقابله با «اتحاد جماهیر شوروی» و دولت‌های هم‌پیمانش، به اتمسفر مردسالارانه‌ی این رویدادهای فراگیر هرچه بیشتر دامن می‌زد. ضمن اینکه جهان سیاست از ابتدای شکل‌گیری مفهومی به اسم «سیاست» در عرصه‌های اجتماعی از دوران ارسطو، افلاطون و سقراط همچنان تا دو دهه‌ی اخیر گستره‌ی قابل‌اعتنا و فراگیر برای حضور موثر و قدرتمند زنان باقی نگذاشته بوده است.

بروز جنگ‌های مختلف و متعدد در تاریخ تمدن بشر نیز همواره مساله «حضور محوری مردان» در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی انسان را بیش از هرچیز تقویت کرده و ضروری ساخته است. به همین نسبت و با توجه به تمامی این شرایط بشری، حضور زنان در عرصه سینما (پیش از دهه ۱۹۹۰) اغلب از محدوده‌ی یک حضور «اوبژکتیو» Objective که بطور غالب از نگاه مردان مشاهده و تعریف می‌شده، نمیتوانسته فراتر برود. با این حال، در تمامی سالیان پیش از تحولات اجتماعی دهه ۱۹۶۰ استثناء‌های هم در این

زمینه وجود داشته است.

شخصیت زنانه «کابیریا» با بازی خانم «جولیتا ماسینا» (۱۹۹۴-۱۹۲۱) در فیلم «شب‌های کابیریا» ساخته ۱۹۵۷ (به کارگردانی: فدریکو فلینی) یکی از معدود نمونه‌هایی است که محوریت و عاملیت «سوبژکتیو» Subjective حضور یک زن و نگاه این شخصیت را به جهان پیرامون ترسیم میکند. فیلم «همه چیز درباره‌ی ایو» All About Eve ساخته ۱۹۵۰ (به کارگردانی: ژوزف ال منکیویچ) یکی دیگر از نمونه‌های مشهور و معدود در زمینه نگاه عاملانه زن به جهان پیرامون از جمله به شخصیت خود این زن در طول فیلم است. جالب اینکه نام این شخصیت زنانه به گونه‌ای نمادین و معنی‌دار مترادف با نام «حوا» Eve در اسطوره‌های آفرینش است. همچنین فیلم «ستاره‌ای متولد می‌شود» ساخته ۱۹۵۴ به کارگردانی «جورج کیوکر» با محوریت حضور زنانه را به عنوان یکی دیگر از نمونه‌های معدود حضور فعال و عاملانه زنان در تاریخ سینما می‌توان برشمرد. جالب اینکه فیلم دیگری با همین عنوان سال ۲۰۱۸ به کارگردانی و بازی بردلی کوپر و لیدی گاگا یادآور و ارجاع به فیلم قدیمی‌تر و مضامین مطرح شده در آن اثر سینمایی است.

فیلم به یادماندنی «میخواهم زنده بمانم» I Want to Live ساخته ۱۹۵۸ به کارگردانی «رابرت وایز» هرچند تا اندازه زیادی به الگوهای ملودراماتیک سینما نزدیک بوده، اما بدلیل محوریت حضور یک شخصیت زنانه می‌توان آن را در این دسته فیلم‌ها در نظر گرفت. فیلم دیگری از سینمای «موج نو» به نام «زن، زن است» (۱۹۶۱) ساخته ژان لوک گدار یکی دیگر از فیلم‌های

شاخص با محوریت نگاه زنانه است که در سالیان میانی قرن بیستم توسط فیلمساز صاحب نام سینمای فرانسه و مکتب «موج نو» ساخته شده است. پرداختن به شخصیت محوری زن البته در سینمای اروپا و فیلم‌هایی مانند آثار «موج نو» فرانسه تا حد زیادی با پرداخت زندگی زنان در روایات هالیوودی تفاوت داشته است. فیلم «ساعت فرزندان» The Children's Hour ساخته ۱۹۶۱ به کارگردانی «ویلیام وایلر» (در سینماهای ایران با نام «شایعه» به نمایش درآمد.) با بازی: «اودری هپبورن» و «شرلی مک لین» یکی از فیلم‌های انگشت شمار «زن محور» سینما در دهه‌های پیشین است.

آنگونه که در فیلم «انتخاب سوفی» Sophie's Choice ساخته ۱۹۸۲ به کارگردانی «آلن جی پاکولا» شاهد هستیم، چگونگی طرح مساله و جهانبینی زنانه در بستری از مناسبات مردانه و در یک فیلم متعلق به هالیوود دهه هشتاد به گونه دیگری ترسیم شده است.

در فیلم دیگر ساخته شده در سینمای هالیوود «مرگ، آن زن می‌شود» Dead Becomes Her ساخته ۱۹۹۲ به کارگردانی «رابرت زمکیس» تا حد زیادی به ترسیم محوری جهان زنانه در حرفه نویسندگی و بازیگری پرداخته شده است. فیلم «دو زن» ساخته ۱۹۶۰ به کارگردانی «ویتوریو دسیکا»، (سینمای ایتالیا) داستان زن تنهایی به نام سزیرا (با بازی: سوفیا لورن) را روایت می‌کند که در جریان «جنگ دوم جهانی» مجبور می‌شود تا شهر رُم را به مقصد یک روستای کوچک ترک کند. در فیلم «ماجرا» L'Avventura ساخته ۱۹۶۰ به کارگردانی «میکلانجلو آنتونیونی» فیلمساز ایتالیایی هم به حضور محوری

یک زن جوانی (با بازی: مونیکا ویتی) می‌پردازد که ناپدید شدن این زن در ماجرای فیلم معنای نمادین پیدا می‌کند.

فیلم «زنی تحت نفوذ» ساخته ۱۹۷۴ به کارگردانی «جان کاساوتیس»، یکی دیگر از نمونه‌های محدود در سینمای دهه‌های پیشین است که به مشکلات و مسایل جهان زنانه در تقابل با افکار و شیوه زندگی مردسالارانه و مساله حضور جهانبینی آسیب‌پذیر زن در سینما پرداخته است. اینطور که به نظر می‌رسد حضور شخصیت‌های زن مانند مولفه‌های دیگر در فیلم‌های اروپایی بیش از هر چیز در بستری از موضوعات اجتماعی به ویژه پس از رویداد جنگ بازتعریف شده است. در حالیکه سینمای «ایالات متحده آمریکا» به دلیل برخورداری از فرهنگ و اقتصاد کاپیتالیستی، بیش از هر چیز بر محور «فردیت» Individuality زنان مانند سایر جنبه‌های شخصیت‌پردازانه تاکید داشته است.

هرچند نمونه‌های محدود دیگری به غیر از این نمونه‌های مشهور در تاریخ سینما می‌توان یافت که در آنها حضور زنان، نه به عنوان همراهی‌کننده جهان مردانه و مکمل قهرمان‌پردازی مردان، بلکه در این آثار تا حد زیادی ترسیم نگاه و کنش مندی محوری و مستقل از جانب شخصیت‌های زنانه مطرح بوده است. اما همچنان با نگاهی به تاریخ سینما و بررسی بسیاری از آثار سینمایی از جمله بزرگترین و تحسین‌شده‌ترین آثار تاریخ سینما، حضور زنان همواره و در اغلب جنبه‌ها در کنار نگاه محوری و چارچوب‌های پایه ریزی شده توسط مردان قابل طرح بوده و معنی داشته است. همانطور که گفته شد ریشه

بخش عمدهٔ این نگاه و معنی یافتن حضور زنان در پرسزمینه Context مردانه را میتوان در حیطهٔ اسطوره‌های مربوط به «آفرینش» Creation انسان، اساطیر کهن دورهٔ پدرسالاری Patriarchy، مذاهب مختلف و همچنین عاملیت و نقش عمدهٔ مردان در رویدادهای مانند شکارگری، انواع جنگ‌ها و تولیدات صنایع مختلف به ویژه از دوران «انقلاب صنعتی» تا امروز جستجو کرد.

برای درک تفاوت اندیشه و جهان‌بینی حاکم بر «فیلم‌های زنانه» به ویژه در «قرن بیست و یکم» بهتر است تا اشاره‌ای گذرا به شیوه و الگوی شخصیت‌پردازی زنان در قیاس با حضور محوری مردان در بسیاری از برجسته‌ترین آثار سینمایی قبل و پس از دههٔ ۱۹۶۰ داشته باشیم. هرچند دامنهٔ پرداختن به این الگو بسیار گسترده بوده و در تعداد بسیاری فیلم قابل رهگیری و مشاهده است، اما برای درک الگوی پرداخت «جنسیت» در مورد سهم زنان و مردان در فیلم‌های سینمایی قرن بیستم، به نام بردن از برخی نمونه‌های مشهور اکتفا می‌شود.

بطور مسلم در سایر آثار نه‌چندان مشهور تاریخ سینما هم الگوهای پرداخت «جنسیت» به همین‌گونه و چه بسا با تفکیک به مراتب بیشتر در زمینهٔ جهان‌بینی‌های مردانه و زنانه شکل گرفته است. همان‌طور که اشاره شد، فرآیند این تقسیم‌بندی از سالیان دههٔ ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ یعنی از دورهٔ تحولات اجتماعی و فرهنگی دنیای غرب در دههٔ ۱۹۶۰ تا پایان «جنگ سرد» در ابتدای دههٔ ۱۹۹۰ بطور مشخص می‌توان به بروز برخی تغییرات در نگاه به پدیدهٔ جنسیت پرداخت.